نسیم جنوب

www nasimjonoub COM

سال بیست و ششم – شماره ۱۰۷۴

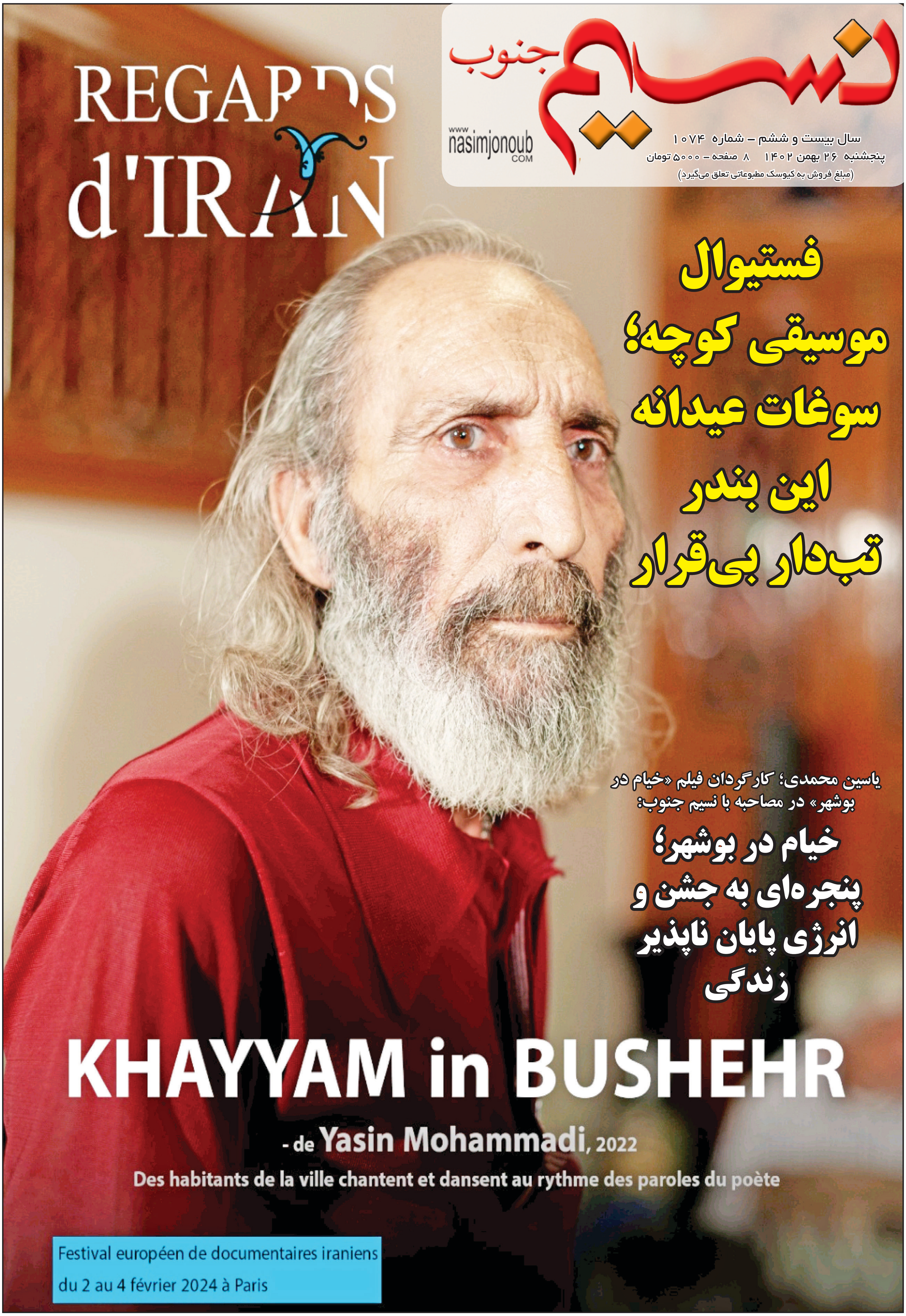
پنجشنبه ۲۶ بهمن ۱۴۰۲ ۸ صفحه – ۵۰۰۰ تومان

(مبلغ فروش به کیوسک مطبوعاتی تعلق می‌گیرد)

فستیوال موسیقی کوچه؛ سوغات عیدانه این بندر تب‌دار بی‌قرار

یاسین محمدی؛ کارگردان فیلم «خیام در بوشهر» در مصاحبه با نسیم جنوب:

خیام در بوشهر؛ پنجره‌ای به جشن و انرژی پایان ناپذیر زندگی



رییس شورای اسلامی استان بوشهر:

احداث بیمارستان نفت در بوشهر حق مسلم مردم استان است

رییس شورای اسلامی استان بوشهر گفت: بوشهر به عنوان میزبان شایسته نفت، درگیر مسائل زیست محیطی و انواع بیماری‌ها برای ساکنین پیرامونی است که ضرورت احداث یک بیمارستان توسط این وزارتخانه در این استان به عنوان حق مردم غیرقابل اجتناب است.

عبدالخالق برزگرزاده در گفت‌وگو با ایرنا اظهار کرد: مردم این استان با وجود برخی مشکلات زیست محیطی و پیرامونی میزبان شایسته صنایع نفت و گاز هستند.

وی افزود: یکی از مطالبات به حق مردم این استان توجه صنایع نفت و گاز به مسئولیت اجتماعی خود در حوزه های فرهنگی، اجتماعی، ورزشی، اقتصادی، زیست محیطی و درمان و سلامت است.

رییس شورای اسلامی استان بوشهر تصریح کرد: اقدامات بسیار خوب وزارت نفت در خوزستان و صنایع مس در کرمان به مسئولیت‌های اجتماعی خود قابل تقدیر است.

برزگرزاده ادامه داد: طی سال‌های گذشته اگرچه اقدامات ناچیزی در راستای کمک به مناطق پیرامونی صنعت در استان بوشهر صورت گرفته ولی نسبت به حقی که باید ادا شود فاصله بسیار زیادی دارد.

وی عنوان کرد: یکی از این حقوق، پرداخت نکردن حق آلایندگی این صنایع در چند سال گذشته است.

رییس شورای استان بوشهر بیان کرد: در روزهای گذشته شاهد آغاز عملیات اجرایی ساخت بیمارستان نفت در شیراز بودیم در حالی که این استان در حوزه درمان از زیر ساخت‌های بسیار خوبی بر خوردار است و ما از هر گونه توسعه در استان همجوار استقبال می کنیم اما در استان بوشهر در حوزه سلامت با کمبودهای زیادی مواجه هستیم.

برزگرزاده ادامه داد: یکی از مطالبات جدی احداث بیمارستان نفت در این استان بوده و حتی در ادوار قبل طراحی و جانمایی نیز صورت گرفته بود اما عملیاتی نشد.

وی عنوان کرد: در حالی که چند صد هزار نفر در صنایع نفت و گاز استان شاغل هستند راه‌اندازی بیمارستان نفت در ابتدا حق مسلم کارکنان این صنایع در استان و سپس مردم بوشهر است.

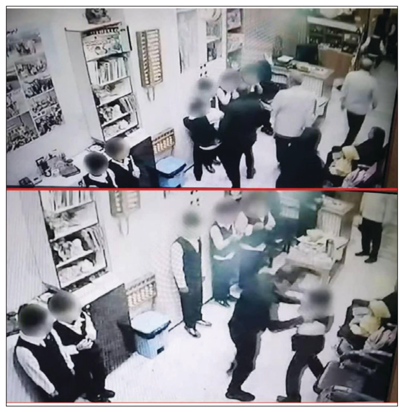
وی افزود: از مدیریت ارشد استان انتظار داریم با رایزنی با دولت و وزارت نفت این خواسته به حق مردم استان محقق کنند و شاهد احداث بیمارستان و مراکز درمانی نفت در چند نقطه استان باشیم.

رییس شورای استان بوشهر بیان کرد: برای صنایعی که تولید پول و ثروت برای کشور می کنند انتظار به حق مردم این استان است که به آبادانی، سلامت، حفظ محیط زیست، فرهنگ، ورزش و آسایش زندگی افراد ساکن در همجوار این صنایع توجه جدی کنند.

کتک زدن دانش‌آموزان مدرسه ابتدایی در خورموج توسط مدیر

ناتوانی آموزش و پرورش در جلوگیری از کتک زدن دانش‌آموزان

تنبیه‌دانش‌آموز خورموجی در مدرسه ابتدایی، باعث اعتراض گسترده گردید. یکی از تلویزیون‌های فارسی خارج از کشور تصاویر دوربین مدار بسته مدرسه‌ای را نشان داد که در آن دانش آموزان ابتدایی از دست مدیر مدرسه در حضور معلمان و سایر دانش‌آموزان به شدت کتک می‌خوردند. بنا به گزارش پخش شده، این اتفاق آبان ماه رخ داده است.



عزل مدیر مدرسه غیرانتفاعی البرز در خورموج

اداره کل آموزش و پرورش استان بوشهر از عزل مدیر مدرسه غیرانتفاعی البرز در خورموج پس از انتشار ویدئویی از برخورد خشونت آمیز با دانش‌آموزان خبر داد.

اداره اطلاع رسانی و روابط عمومی اداره کل آموزش و پرورش استان بوشهر اعلام کرد: به اطلاع می‌رساند در پی پخش کلیپ تنبیه بدنی دانش‌آموزان در یکی از دبستان‌های غیردولتی در شهرستان دشتی در روز سه شنبه بلافاصله اتاق وضعیت در کل آموزش و پرورش استان بوشهر تشکیل و پس از بررسی‌ها و تحقیقات لازم و احراز صحت آن کلیپ، بلافاصله در کمترین زمان ممکن دستور لغو ابلاغ مدیر مدرسه مذکور صادر شد.

پرونده خاطی برای رسیدگی خارج از نوبت به هیئت بدوی رسیدگی به تخلفات اداری اداره کل و شورای نظارت بر مدارس و مراکز غیر دولتی جهت طی مراحل قانونی ارسال خواهد شد.

بازداشت مدیر این مدرسه به دلیل کتک زدن دانش‌آموز

مدیر موسسه مدرسه ابتدایی غیرانتفاعی البرز شهرستان خورموج استان بوشهر به دلیل خشونت فیزیکی علیه دانش آموزان دستگیر شد.

مهدی مهرانگیر گفت: در همین راستا دستور دستگیری فردی که خشونت فیزیکی علیه دانش‌آموزان انجام داده بود صادر شد و در حال حاضر مدیر موسسه دستگیر شده است.

مهدی مهرانگیر رئیس کل دادگستری استان بوشهر در گفت‌وگو با میزان، درباره تصاویر خشونت فیزیکی علیه دانش آموزان یک مدرسه در شهرستان خورموج استان بوشهر، اظهار کرد: در شبکه‌های مجازی متاسفانه تصاویری از خشونت فیزیکی علیه دانش‌آموزان مدرسه ابتدایی غیرانتفاعی البرز شهرستان خورموج استان بوشهر توسط مدیر موسسه منتشر شده است.

رئیس کل دادگستری استان بوشهر بیان کرد: در همین راستا دستور دستگیری فردی که خشونت فیزیکی علیه دانش آموزان انجام داده بود صادر شد و در حال حاضر مدیر موسسه دستگیر شده است.

مهرانگیز اظهار کرد: دستور انجام تحقیقات اولیه و بازجویی صادر شد و با قاطعیت و شدت با این فرد برخورد می‌شود تا برای دیگران درس عبرت باشد.

ناتوانی آموزش و پرورش در جلوگیری از کتک زدن دانش‌آموزان

گرچه در آیین‌نامه انضباطی مدارس، به صراحت هرگونه تنبیه دانش‌آموزان قدغن شده است، اما بنظر می‌رسد که این آیین نامه تنها بر روی کاغذ مانده و آموزش و پرورش در حفاظت از دانش‌آموزان در مقابل تنبیه معلمان و مدیران، ناتوان است. یکی از وظایف مهم مدیر مدرسه که در آیین‌نامه انضباطی مدارس نیز به آن اشاره شده، توجه همکاران مدرسه درباره قدغن بودن تنبیه دانش‌آموزان است. براساس ماده ۸۲ آیین‌نامه، مدیر مدرسه موظف است ممنوعیت تنبیه بدنی را یادآور شود و درصورت مشاهده تخلف، مراتب را با هدف اطلاع و اقدام لازم به اداره آموزش و پرورش منطقه گزارش دهد. درصورتی که یکی از معلمان، مربیان یا یکی از اولیای مدرسه اقدام به تنبیه بدنی یا تحقیر و توهین به دانش‌آموزان کند، مدیر مدرسه موظف است گزارش این اقدام را به آموزش و پرورش همان منطقه اطلاع دهد آموزش و پرورش نیز موظف است با احضار فرد خاطی به تخلف وی رسیدگی و حکم مقتضی را در این زمینه صادر کند. در قانون مجازات اسلامی هر نوع اهانت و هتک حرمت و حیثیت افراد، جرم محسوب می‌شود و مجازات کیفری دارد. منظور از توهین در اینجا استفاده از الفاظی است که باعث تحقیر فرد شود. همچنین تنبیهی که باعث کبودی، شکستگی و یا صدمات دیگری به دانش‌آموز شود، شامل دیه می‌شود و معلم متخلف باید بر اساس تشخیص مراجع ذی‌صلاح پرداخت کند.

بسته‌های تشویقی نوسازی بافت‌های فرسوده بوشهر ابلاغ شد

معاون شهرسازی و معماری شهرداری بندر بوشهر گفت: بسته‌های تشویقی بومی‌سازی شده برای نوسازی بافت‌های فرسوده شهری بوشهر تصویب و ابلاغ شد.

سعید برزگرزاده در گفت و گو با ایرنا اظهار کرد: یکی از اقدام‌های مهم و محرک‌های موثر در امر نوسازی بافت‌های نا کارآمد و فرسوده، تدوین بسته‌های تشویقی با هدف ایجاد جاذبه و اشتیاق ساکنین و متقاضیان نوسازی در محلات هدف است.

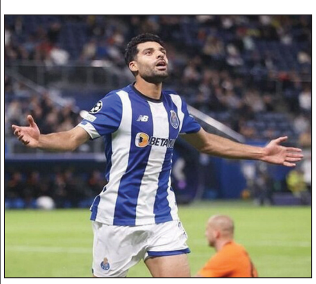
وی بیان کرد: پس از ابلاغ مصوبه شورای عالی شهرسازی و معماری ایران در خصوص نوسازی بافت‌های فرسوده و ناکارآمد شهری، معاونت شهرسازی و معماری شهرداری بوشهر با در نظر گرفتن مشوق‌های ۱۹ گانه و استفاده حداکثری شهروندان از این مشوق‌ها، اقدام به بومی‌سازی این طرح کرده است.

معاون شهرسازی و معماری شهرداری بندر بوشهر با اشاره به افزایش درخواست‌های مردمی جهت تسهیل استفاده از مشوق‌ها تصریح کرد: در این زمینه با هدف بررسی مشکلات و موانع موجود پیشنهادهایی درخصوص بومی‌سازی مشوق‌های یادشده جهت طرح و بررسی در کمیسیون ماده پنج شورای عالی شهرسازی و معماری ایران، ارسال شد که بسیاری از موارد درخواستی مورد تایید و تصویب قرار گرفت.

برزگرزاده ادامه داد: شهروندان و متقاضیان نوسازی می‌توانند جهت بهره‌مندی از مشوق‌های بومی‌سازی شده بافت‌های فرسوده غیر تاریخی (شامل افزایش تراکم، افزایش سطح اشغال، تخصیص کاربری انتفاعی در گذر ۱۶متر به بالا، افزایش تعداد واحد مسکونی به شرط تامین پارکینگ مفید، کاهش حد نصاب مساحت عرصه پلاک جهت بهره‌مندی از مشوق‌ها) به معاونت شهرسازی مرکزی، منطقه یک و دو مراجعه کنند.

مدیرعامل اینتر:

قرارداد طارمی را در زمان مناسب اعلام می‌کنیم



مدیرعامل اینتر تاکید کرد کارهای قرارداد طارمی در حال انجام است و در زمان مناسب اعلام خواهد شد.

مهدی طارمی ملی پوش ایرانی تیم فوتبال پورتو قراردادش با این تیم پرتغالی در پایان فصل به پایان می‌رسد و به نظر می‌رسد با پایان قراردادش به اینتر بپیوندد.

«جوزپه ماروتا» مدیرعامل تیم فوتبال اینتر در اظهاراتی به حضور طارمی در این تیم پرداخت و گفت: ما در حال کار روی قرارداد طارمی و زلینسکی هستیم و اگر همه چیز طبق برنامه پیش برود آن را در بهترین زمان ممکن اعلام خواهیم کرد.

طارمی در ۳ فصلی که در تیم پورتو حضور داشت خوش درخشید و توانست خود را به عنوان سومین گلزن تاریخ این باشگاه مطرح کند.

انواع کمک هزینه‌ها و پاداش‌ها برای کارکنان مجلس شورای اسلامی

اسناد منتشر شده اخیر لیست بسیار طولانی پاداش‌ها و کمک هزینه های دریافتی کارکنان در مجلس شورای اسلامی قابل توجه است. این مستخدمین به ازای هر عید و مناسبتی که در تقویم وجود دارد، کمک و پاداش دریافت می کنند. ولادت حضرت زهرا ۲ میلیون و ۱۶۰ هزار، روز تولد کارکنان ۱،۲۰۰ میلیون تومان، ولادت امام علی ۲،۱۶۰ میلیون تومان ، سایر اعیاد ۶۵۰ هزار تومان، روز کارمند ۶۰۰ هزار تومان، جشن تکلیف فرزندان ۶۰۰ هزار تومان، هدیه تولد هر فرزند ۶۵۰ هزار تومان، آجیل شب یلدا ۲ میلیون، آجیل شب عید نوروز ۲،۶۰۰ میلیون تومان، روز کارمند ۶۰۰ هزار تومان، روز مجلس ۱،۲۰۰ میلیون تومان، پاداش دوره ای ۱۶ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان، عیدی پایان سال ۱۲ میلیون، تقدیر از دانش آموزان ممتاز تا ۲،۱۰۰ میلیون تومان، کمک هزینه غذا ۷،۲۰۰ میلیون تومان ، کمک هزینه پوشاک ۳،۶۰۰ میلیون تومان، کمک هزینه خرید کتاب ۹۶۰ هزار تومان، کمک هزینه مهد کودک ۲۴۰ هزار تومان، کمک هزینه فرزندان زیر شش سال ۱ میلیون تومان، کمک هزینه تلفن همراه ۳۰ هزار تومان، کمک هزینه سفر و تعطیلات تا ۳،۸۰۰ میلیون تومان، کمک هزینه ایاب و ذهاب ۳،۶۰۰ میلیون تومان، کمک هزینه تسهیلات اقامتی قریب ۱ میلیون تومان. علاوه بر اینها کارکنان در دهها مورد دیگر نیز از انواع کمک هزینه ها و پاداش ها برخوردار می شوند. دهها نوع وام قرض الحسنه نیز به شاغلین در مجلس اعطا می شود./ آفتاب نیوز

۷ دختر والیبالیست بوشهری به اردوی تیم ملی دعوت شدند

هفت دختر والیبالیست بوشهری به اردوی انتخابی تیم ملی زیر ۱۸ سال دختران ایران دعوت شدند.

سارینا قناعت، نغمه محمدی، سما نوروزی، رضوان میرشکاری، ملیکا پهلوانزاده، الهه قاسمی‌نژاد، رخساره تنگستانی دعوت شدگان به مرحله نخست انتخابی تیم ملی والیبال زیر ۱۸ سال هستند.

این اردو از ۲۸ بهمن ماه در تهران برگزار می شود.

دمکراسی در تنگنا



سجاد بهزادی

سال ۲۰۲۴ قرار است بزرگ‌ترین سال انتخابات در تاریخ جهان باشد. گفته می‌شود مردم دستکم ۶۰ کشور که نیمی از جمعیت کره زمین را در خود جای داده‌اند، انتخابات را تجربه کرده یا خواهند کرد. انتخابات در برخی از این کشورها مانند ایالات متحده آمریکا بر سایر نقاط جهان نیز تاثیر خواهد گذاشت.

بسترهای دموکراسی در سراسر جهان در حال تضعیف شدن است و انتخابات سالم و آزاد در بسیاری از کشورهای عالم در معرض آسیب است. در آمریکا نیز ترامپ دوباره سودای ریاست جمهوری در سر دارد. وقتی دونالد ترامپ به عنوان چهل و پنجمین رئیس جمهور آمریکا قدرت را در دست گرفت، شاید کمتر کسی فکر می کرد که در دوران ریاست جمهوری او این چنین نهادهای دمکراتیک این کشور مورد حمله قرار گیرد. اگر چه بنظر می‌رسید همین مسئله، از مهم‌ترین دلایل عدم تکرار ریاست جمهوری او شد. حالا این سیاست مدار خودشیفته در آستانه ۸۸ سالگی، دوباره در اندیشه ریاست جمهوری است و به کسب نامزدی حزب جمهوری‌خواهان برای انتخابات ریاست جمهوری یک گام نزدیک‌تر شده است.

تعهد نامزدهای ریاست جمهوری، از پوتین گرفته تا دونالد ترامپ تا کشورهای ضعیف تر به آرمان‌های دمکراسی تضعیف شده و دیگر هنجارهای لیبرال دموکراسی در صدر شعارهای آنان نیست. چهره خودکامگی عریان تر شده و دمکراسی به تنگنا رفته است.

موسسه تحقیقاتی سوئدی **V-Dem** به تازگی تخمین زده است که ۷۲ درصد از جمعیت جهان در حال حاضر در حکومت‌های خودکامه زندگی می‌کنند که نسبت به ۱۰ سال پیش، ۴۶ درصد افزایش یافته است. جامعه مدنی در ۳۷ کشور و کیفیت انتخابات در ۳۰ کشور در حال بدتر شدن است.

درست است که لیبرال دمکراسی هرگز نسخه نجات بخش بشری در همه ابعاد نبوده است اما طی سال‌های گذشته الگوی جذاب دیگری نیز پیش روی حاکمان عالم قرار نگرفت که در نهایت بتواند از دردها، جنگ ها و آلام های کنونی بشریت بکاهد.

نظام حکمرانی در بسیاری از کشورهای جهان در حالی دمکراسی را مورد تنگنا قرار می دهند و آن را چندپاره می کنند که راه حل مشترکی برای برون رفت از بحران‌های کنونی نتوانستند ارائه دهند. اجزای اصلی یک نظام دموکراتیک انتخابات آزاد، تفکیک قوا، آزادی بیان و عقیده و حاکمیت قانون است. دمکراسی این اجزاء را تقویت می‌کند و در نهایت تعادل مدنی را برای اقلیت نیز حفظ می کند.

سال‌ها پس از آن‌که فرانسیس فوکویاما «پایان تاریخ» و پیروزی دموکراسی را در جهان اعلام کرد، هم چنان الگوی جای گزینی برای آن پیدا نشده است. بر اساس این نظریه، امروزه نظام لیبرال دموکراسی، به‌ویژه پس‌از فروپاشی اتحاد شوروی، جریان غالب شده است که همه جوامع باید در برابر آن تسلیم شوند. آخرین تلاش‌ها و مبارزات ایدئولوژی‌ها، سرانجام در قالب ایدئولوژی لیبرال دمکراسی سر برآورده‌است؛ بنابراین نظام سیاسی بهتری که بتواند جایگزین این نظام شود، وجود ندارد.

درست است که جهان پر از دوقطبی ها خطرناک و بن بست‌های سیاسی است، اما دمکراسی چه گناهی دارد؟ دمکراسی برای نهادینه شدن، نیازمند تمرین و مداراست و نباید رهبران دنیا برای رسیدن به خودکامگی و تمامیت خواهی‌های خود آن را به تنگنا ببرند.

افت دمکراسی در جهان مصیبت هایی دارد که همه ما آن را به چشم می بینیم. قدرت‌گیری راست گرایان اقتدارطلب، موج خودکامگی و بی پروایی رهبران در سرکوب مخالفان در بعضی کشورها و میل برای تخریب نهادهای مدنی در حال گسترش، تنها چند نمونه از این مصیبت هاست.

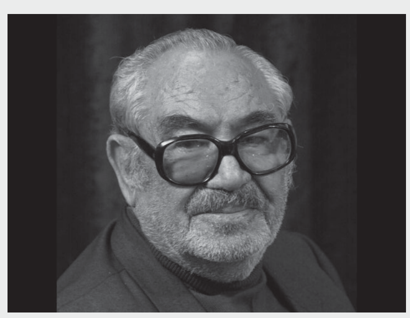
امروز بسیاری از کشورها فقیرتر شده اند و نباید انتخابات پوششی برای شکل بخشیدن به الگویی ساختگی از دمکراسی باشد و میراث گران قدر گذشته بشریت که تجربه موفقی از آن ها وجود دارد توسط نامزدهای ریاست جمهوری لگدمال شود.

آکسفام (**Oxfam**) بزرگ‌ترین سازمان بین‌المللی که وضعیت فقر، گرسنگی و بی‌عدالتی در جهان را گزارش می‌دهد به تازگی اعلام کرده است**:** از سال ۲۰۲۰ تا کنون ۶۰ درصد جمعیت جهان معادل حدود ۵ میلیارد نفر در دنیا فقیرتر شدند. این در حالی است که طی این مدت سرمایه پنج فرد ثروتمند برتر جهان یعنی ایلان ماسک، برنارد آرنو، جف بزوس، لری الیسون و مارک زاکربرگ با رشد ۴۲۳ میلیارد یورویی بیش از دو برابر شد.

با این روند پیش بینی می شود فقر جهانی تا سال ها ریشه‌کن نخواهد شد. بر همین اساس و مطابق داده‌های جدید بانک جهانی۴۰ درصد ایرانیان نیز در معرض فقیر شدن قرار دارند و میزان فقر شهروندان ایران از ۲۰ درصد در سال ۲۰۱۱ به ۲۸ درصد در سال ۲۰۲۰ افزایش یافت. فعلا دمکراسی در تنگنا قرار دارد و پوپولیسم گرایی و رادیکالیسم در چهار گوشه جهان قدرت نمایی می‌کند. این‌که نظام رادیکال و پوپولیسم چقدر از دل دمکراسی بیرون می آید یا دست‌کاری نظام های تمامیت‌خواه می باشد خود داستان دیگری است. آن‌چه عریان گشته، همان گفتمان تعصب خواهانه و دیکتاتور منشانه به جای مدارا و تمرین دمکراسی در کشورهایی است که از قضاء خاستگاه دمکراسی به شمار می روند. امید که گذار از این وضعیت طولانی نباشد، ملت‌های زیادی قربانی نگردند و دمکراسی بیش از این به تنگنا نرود.

علی‌اکبر سرافراز درگذشت

کاوش‌گر کاخ کوروش کبیر بُرازجان، درگذشت



علی‌اکبر سرافراز، باستانشناس پیشکسوت به دلیل کهولت سن درگذشت.

دکتر سرافراز جمعه ۲۰ بهمن‌ماه ۱۴۰۲ به دلیل کهولت سن و در سن ۹۶ سالگی در بیمارستان رسول اکرم (ص) دار فانی را وداع گفت.

علی‌اکبر سرافراز، باستان‌شناس پیشتاز ایرانی و متخصص تاریخ هنر اشکانی ـ ساسانی و ایلخانی، در سال ۱۳۰۶ در ملایر به دنیا آمد. او پس از پایان دانشسرای تربیت‌معلم، تا سال ۱۳۳۲ خورشیدی به تدریس پرداخت و پس از آن به تهران منتقل شد و در سمت ریاست آموزشگاه های تهران در نقاط محروم خدمت کرد. در ۱۳۴۲ خورشیدی از دانشگاه تهران درجهٔ کارشناسی ارشد باستان‌شناسی با امتیاز عالی دریافت کرد. و به عنوان زبده‌ترین دانشجو به اداره کل باستان‌شناسی معرفی شد. وی طبق دعوت و بورس یونسکو برای ادامه تحصیل در زمینه موزه‌گرافی و حفاظت آثار سنگی به کشورهای مختلف از جمله انگلستان، امریکا و مکزیک سفر کرد و از دانشگاه نیویورک موفق به دریافت دانشنامه معادل PHD شد و در ۱۳۴۸ خورشیدی دانشنامهٔ دکتری مرمت و حفاظت آثار سنگی گرفت. در چند پروژهٔ بین‌المللی کاوش و مطالعات از جمله در مکزیک، انگلستان، آمریکا، چین، آلمان و فرانسه شرکت کرد، که کاوش تی. آن و هوکات و چلولا از آن جمله بود.

او بیش از ۲۳ سال از عمر خود را در محرومیت‌های میدانی و صحرایی صرف کرد که نتیجه تلاش‌های سرافراز از سال ۱۳۴۴، ثبت ۴۳۰ اثر در فهرست آثار ملی است. دانشگاه تبریز کتاب تخت سلیمان او را در سال ۱۳۴۷ منتشر کرد. سرافراز در ۲۳ بهمن ۱۳۵۷ به ریاست موزهٔ ایران باستان انتخاب شد و سپس از ۱۳۵۸ تا ۱۳۷۴ در دانشگاه تهران، باستان‌شناسی تدریس کرد. او همچنین یک دهه مدیر گروه‌های باستان‌شناسی دانشگاه‌های تهران و تربیت مُدرس بود.

کاوش‌های سرافراز در اَرگ عَلی‌شاه تبریز و تَنگ چوگان، درک ایران‌شناسان را از دوره‌های ایلخانی و ساسانی دگرگون کرده است.

مهم‌ترین کاوش‌ها و مطالعات سرافراز را می‌توان ارگ علی‌شاه تبریز، تنگ چوگان، کاخ کوروش کبیر در بُرازجان، تخت سلیمان، جمعه مسجد اردبیل، رصدخانه مراغه و کتیبه خارک، که سند صیانت ایران بر خلیج فارس بوده است و همچنین مرمت و کاوش معبد آناهیتای بیشابور، برشمرد.

او دستکم ۱۶ کاوش علمی را سرپرستی کرده و حدود **۳۲** بررسی و گمانه زنی روی آثار باستانی داشته بود. «تخت سلیمان»، «راهنمای آثار باستانی جزیره خارک» و «سکه‌های ایران» از جمله کتاب‌های علی‌اکبر سرافراز است.



موزه ملی ایران میزبان اساتید، پیشکسوتان، اهالی فرهنگ و هنری بود که در بدرقه پیکر استاد علی اکبر سرافراز از اساتید پیشکسوت باستان‌شناسی گرد هم آمده‌بودند.

مصطفی ده پهلوان در این مراسم گفت: زنده یادسرفراز دستمایه پُری داشت و در همه کلاس‌ها اسلایدهای اختصاصی را که خودش از محوطه‌های تاریخی ضبط کرده بود، برای دانشجویان پخش می کرد و از این نظر مشهور بود.

فائق توحیدی از اساتید پیشکسوت باستان‌شناسی از درباره این باستان‌شناس نامدار گفت: علی‌اکبر سرافراز در روزهای نخست انقلاب تلاش‌های فراوانی برای بهبود وضعیت باستان‌شناسی کشور انجام داد و در این خصوص نقش مهم و تاثیر گذاری را ایفا کرد.

حسن کریمیان باستان شناسی که شاگرد زنده یاد سرفراز بود گفت: زنده یاد سرفراز ۷ هزار ساعت در محوطه‌های تاریخی مهمی از کشور کاوش کرده بود که نتیجه آنها را در قالب ده‌ها کتاب و مقاله منتشر کرد.

محمدرضا سعیدی دیگر باستان شناسی و از شاگردان زنده یاد سرفراز در اواخر دهه ۶۰، گفت: علی اکبر سرفراز نقش بسیار مهمی در تولید علم بومی داشت و به همت تلاش‌ها و پژوهش‌های علمی شخصیت‌هایی مثل او، اکنون در ۲۴ دانشگاه کشور رشته باستان شناسی دایر است.

زندگی آگاهانه

زمستون فصل منه

حسین زیرراهی – مدرس توسعه فردی



«زمستون فصل منه» جمله‌ای است از مربی اوج موفقیت تونی رابینز. منظور رابینز این است که من مرد شرایط سخت هستم. او معتقد است شرایط سخت او را قویتر می کند و باعث تمایز او از دیگران شده و بعدا هم در شرایط سخت مشابه مشکلی نخواهد داشت. این جمله فقط برای انسان‌ها مصداق ندارد. کسب و کارها، موجودات زنده و خیلی از برساخته‌های انسانی هم از این قائده پیروی می کنند. هر پدیده‌ای که بتواند زمستان سخت را پشت سر بگذارد در بهار بعد رشد بالایی را تجربه می کند. ضمن این‌که در زمستان‌های بعدی هم مشکلی نخواهد داشت. ولی متاسفانه ما انسان‌ها بنا به طبیعت خود همیشه دنبال راحتی هستیم تا سختی. حتی کسانی که زندگی و شرایط سخت آن‌ها را تبدیل به انسان‌های موفقی کرده است هم این موهبت را از فرزندان خود دریغ کرده و آن‌چنان آن‌ها را در ناز و نعمت غرق می کنند که بعدا در زندگی خود توان عبور از مشکلات را ندارند.

یک تجربه شخصی. من حدودا ۲۳ سال پیش وارد بازار کار شدم. با یک مدرک لیسانس زبان انگلیسی و تقریبا هیچ مهارت دیگری. آن زمان مصادف بود با شروع اولین پروژه در پارس جنوبی به نام فاز ۲ و ۳. در سومین باری که به دروازه اصلی آن به نام «گیت هفت» با نامه اداره کار مراجعه کردم بعنوان افسر ایمنی در شرکت هیوندای استخدام شدم. حقوق آن روز من تقریبا دو برابر یک کارمند دولت بود. در پنج سال بعد از آن هم در شرکت‌های ایرانی و خارجی با حقوق بالایی کار می کردم.

این شرایط خوب باعث شد دنبال یادگیری بیشتر یا تلاش برای ورود به عرصه دیگری نباشم. تا این که دوره رکود و تحریم و خروج شرکت‌های خارجی از ایران شروع شد. به یک‌باره به یک کارمند معمولی تبدیل شدم که مهارت خاصی به غیر از انگلیسی و کارهای اداری نداشتم. بیکار شدم و وقتی هم کار پیدا کردم نصف حقوق دو سال پیشم را بهم پیشنهاد دادند. حداقل ده سال تلاش و ممارست لازم شد تا شرایطی مشابه روز اول را دوباره بدست بیاورم. این تجربه شخصی نتیجه ورود به بازار کار در زمان رونق و راحتی بود. البته با چاشنی اشتباهات شخصی و کمی هم بدشانسی.

شبیه این حالت می‌تواند برای کسب و کارها هم رخ دهد. مخصوصا استارت‌آپ‌ها یا کسب‌های نوپا. اگر در دوره رونق اقتصادی شروع کنند خیلی زود و راحت به سود می‌رسند. نیاز به بازاریابی آنچنانی ندارند و تا زمانی که شرایط خوب وجود دارد آن‌ها هم مشکلی ندارند. ولی به محض این‌که شرایط رکود اقتصادی و دوران سختی فرا می‌رسد خیلی از آن‌ها توان مقاومت ندارند و از بین می‌روند. در مقابل آن‌هایی که در شرایط سخت شروع کرده‌اند چون با مشکلات بی‌شماری جنگیده‌اند تا بقای خود را تضمین کنند بعدا در شرایط خوب از بقیه سبقت بلندی می گیرند. ضمن اینکه در دوره‌های رکود بعدی هم مشکلی نخواهند داشت.

نکته نهایی این که فرصت استفاده از شرایط سخت را از دست ندهید و از آن فرار نکنید. اگر اولین حقوق‌تان آن‌قدر پایین است که رویتان نمی‌شود به کسی بگویید، یا کسب و کار نوپایتان مشتری ندارد، این نشانه خوبی است که برای رسیدن به شرایط بهتر بحنگید و رشد کنید.

در کوچه فستیوال بوشهر چه می‌گذرد؟

نرگس مهردادیان: اگر در کوچه پس کوچه‌های چهار محله بوشهر قدم بزنید، در محله شنبدی به یک کوچه می‌رسید، که یک طرفش حسین رومی سازهایش را کوک می‌کند، روبرویش روی چهارپایه‌های کوتاه چوبی می‌توانید چای دمی تازه در استکان کمر باریک بنوشید. کمی آن طرف‌تر هم در چوبی کافه حاج رئیس را می‌بینید. در این کوچه هفته‌ای چند روز صدای ساز و آواز به گوش می‌رسد. اما ۶ روز از سال این‌جا غوغا می‌شد. هلهله‌ای از آواهای لری، خراسانی، آذربایجانی و جنوبی! عمارت حاج رئیس اسفند مهمان گروه‌هایی از جای جای ایران می‌شود تا با همنوایی به استقبال عید نوروز بروند.

احسان عبدی‌پور از ایده کوچه فستیوال می گوید که از کافه لاله اسکندری در تهران، زمانی که هنرمندان محلی هرمزگان در آن برنامه اجرا می کردند، شکل گرفت. احسان به همراه ادریس برادرش که برگزار کننده این رویداد هستند تصمیم می گیرند فراخوانی دهند تا هنرمندان مختلف را از چهارگوشه ایران جمع کنند. تا در اسفندماه، آهنگ‌هایی محلی از نواحی مختلف ایران در این شهر نواخته شود.

سفر به بوشهر به خودی خود سفری کم‌نظیر است. چه رسد به آنکه فستیوالی از موسیقی‌های محلی هم در یکی از بهترین ماه‌های سال در آن اجرا شود. شاید نغمه نی‌انبان محسن شریفیان توی گوش مردم می‌پیچد که این چنین به تکاپو می‌افتند. البته همچنان در مواقع مختلف سال، به‌خصوص عید نوروز هنرمندان به‌نام موسیقی محلی جنوبی در عمارت‌های بوشهر میزبان مردم هنردوست هستند.

احسان عبدی‌پور می گوید: «پیام برگزاری جشنواره موسیقی کوچه فستیوال در کنار هم بودن و سازها را به نام مردم کوک کردن و با هم و برای هم نواختن است». قطعه‌هایی از موسیقی محلی نقاط مختلف ایران توسط گروه‌های به‌نام موسیقی از خوزستان، هرمزگان، کردستان، لرستان، گیلان، آذربایجان و خود بوشهر اجرا می‌شود. پس از اجرا گپ و گفت دوستانه نوازندگان، خوانندگان و مردم تا پاسی از شب ادامه خواهد داشت.





مرضیه زاهدی

با من از دریا بگو من ساحلِ غم نیستم!
شورشِ طوفانم و بارانِ نم نَم نیستم

تازگی‌ها شعر کاری کرده با قلبم که من
ابر و باد و ماهم و خورشید... آدم نیستم!

در دلم شوری چنان افتاده از ایمان و عشق
یک مسیحِ تازه دارم، حیف؛ مریم نیستم!

تا مرا باور کنی می‌سوزم از شب تا سحر
آتشِ بی‌وقفه‌ام، یک شعله‌ی کم نیستم

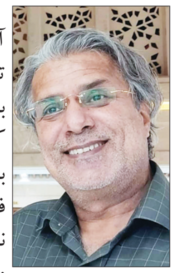
گفته بودی من صبورم در قرارِ عاشقی
پیشِ چشمِ مستِ تو انگار آن َهم نیستم!

سروم و یک سرو عاشق باز هم آزاده است؛
بیدِ مجنونی که باَشد پیشِ خود خم نیستم!

اگر نمی توانی پرواز کنی، به موسیقی گوش بسپار...

فستیوال موسیقی کوچه؛ سوغات عیدانه این بندر تب‌دار بی‌قرار

محمدلطفی- نویسنده و کارگردان



در میلاد هنر این خفته شور انگیز، در بزنگاه عصیان درد و رنج و آتش‌فشان خموش و غصه‌های رسیده، موسیقی گسستن قید و بند انسان تا به آغوش کشی همزاد نخست خویشتن است، اتصال اسکان گاه زیستن با جهان های موازی، موسیقی پیوند زلال روح و ماوراء، تزکیه‌ای فراتر از کلام، آن‌سوی کاتارسیس، موسیقی زبان و انرژی ساعی بر مدار فرکانس با ارواح نیاکان و خلوتکده هستی و نیستی در رود رونده زندگی، ویرانگر فعل زمان و مکان،آمیزه‌ای از گذشته و حال وآینده است. موسیقی ظهور نشاط شادی انسان در چنبره جبر زیستن است. اینجا در جغرافیای خشن و بیرحم ما، موسیقی ما فریاد از جگرگاه بر خواسته‌ای ایست برای بقا، مبارزه ای نابرابر با لهمیر، با بمبک و موج تا روزی و معاش خود را در یزله و نی‌مه از بیخ گلوی وحشی‌ترین موج‌ها فرا چنگ آوریم، موسیقی بوشهر آواز مادری است پای گهواره کودکش تا زود بزرگ شود، مانند پدرش به دریا برود و سفره رونقی بگیرد، موسیقی در دیار ما شور و شرری است به جانمان، تا بفکر فرو رویم، این ضربه‌های کوبش دم‌مام از شانه‌های کدام توفان‌ها، این سوزناله نی از کدام نیستان سوخته، این سور و یزله و... از کدام سوی آفریقا به ما رسیده است! موسیقی دیار ما زمزمه‌های معماری جادویی درونگرایی است که تمام پنجره‌های این بندر را دهان شده است تا ملودی‌های در پس کوچه‌های جهان محصور رها و قد بکشند در خویشتن خود، که همه پاره‌هایی از یک پیکراند.

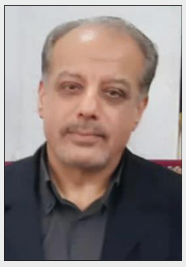
فستیوال موسیقی کوچه در بوشهر زمزمه‌هایِ زیر لب، ترانه‌های پشت پنجره‌ها و آوازهای غریبی است که همواره جاشو و ناخدا را بفکر انداَخته است که ماه چیست؟ دریا چرا مدام پر و خالی می‌شود؟ موسیقی ما معنویت مطهری است که همه خود پرسش‌هایی است برخاسته از دل و اگر پاسخی نیافتیم فایز بخوانیم، خیام راه بیندازیم، یزله بگیریم برای رم دادند بمبک ها.

اینجا در پس کوچه‌های زخمی تاریخ موسیقی است که زخم‌هایمان را می‌شوید تا در روزها و قرارهای معین ساده و بی‌تکلف، در این تبعیدگاه جبر زیستن ادامه را تاب بیاوریم. فستیوال موسیقی در بوشهر از مدار روح‌نوازی به رویدادی مستقل و به همت تعدادی هنرمند و هنر دوست، در بندر ما که سابقه‌ای به درازنای تاریخ در این بخش دارد، برگزار و حالا دیگر رفته رفته از مرزها پا فراتر نهاده است، از تحلیل زیبایی‌شناسیِ موسیقی و دستگاهیِ موسیقیَایی ایرانَ و پژوهشِ هَنر، از منظر فلسفه و زیباشناَسیِ که به ساختاری اصولی و بهَ تبیین چارچوب زیبایی در موسیقیِ دستگاهیِ ایران که بگذریمَ، و تنها بهَ هدف آن که ایجاد روحیه نشاط و شور و شعور و شیدایی و آشنایی با دیگر گروه‌های موسیقی نواحی ایران است، به خودی خود سوغاتی است، عیدانه‌ای بی‌بدیل که روح را تا جنون خلسه‌وار و مرز رسیدن به هبوط و تصور و تصویر معنا و مانایی از فراز نای مدار و رهایی از پنهان درون‌گرایی به مینویی برون‌گرایی می‌رساند، خیزابی ازلی پرواز خیال از حصار تن، جاری و شورانگیز در رگان خم اندر خم کوچه‌های بوشهر، و شاید به جرات بتوان گفت تنها رویدادی که در قالب فستیوال و پژوهشی زیباشناسانه و پاسخ به چیستیِ‌ها و اساسِ موسیقی محلی نواحی ایران، تفکیک چهارچوب زیبایی شناختی ردیف دستگاهی ایَران و چگوَنگی نگاه تحلیلی بر آثار موسیقایی در جهت شناخت هر چه بیشتر این هنر اصیل آن هم بر اساس مفاهیم مهم و کاربردی در فلسفه و حکمت موسیقایی در سطحی چنین است که بدل نشسته، شورانگیز به دست‌های دریا کوچیده و می‌رود تا دورترین دریاها که ما خود خویشاوند همه دریاهاییم، شاید استقبال و حضور مردم نشان از بلوغ فکری جامعه‌ایست که دریافته‌اند ما خود شهر را می‌سازیم تا شهر ما را بسازد، موسیقی ما صدای خفته مردم و زخم‌ها ی روزگاران و پیچاب اندوهانی است که در زمان و مکان نمی گنجند تا دور شویم از بیماری‌های مزمنی که این روزها فضای هنر را در سطحی وسیع به انزوا کشانده، اما موسیقی ما به یکباره لهمیری می‌شود تا طومار تنگ نظری و عدم شناخت از کارکرد آن بر چرخه زندگی را در هم می‌نورد، مانند «نسیم جنوب» که نقطه امیدی است در عطشانی تمام فصول هر هفته می‌وزد تا یادمان نرود با همه مشکلات، خیام هنوز هم میهمان خانه‌های بوشهر است... هر خانه یک خیام، هر خیام یک امید.. بجاست تا دیگر بار از تمامی دوستان که با دستانی پتی اما با پشتکار و اراده‌ای ستودنی کوچه‌های این بندر تب‌دار بیقرار را به پاشویه دریا و عطر موسیقی ایران و بوشهر جاری ساری می‌سازند تا همه دریابیم اگر حال هم را خوب کنیم، جهان به مراتب زیباتر خواهد شد... سپاسگزاری نمایم.



همراه با جشنواره‌های هنری، باید شاهد رفع مشکلات فرهنگی، هنری در منطقه باشیم

عباس شاهپیری



جشنواره‌ها و یا فستیوال‌ها، از دیرباز در فرهنگ بشری اهمیت داشته‌اند و تقریباً در همه فرهنگ‌ها دیده می‌شوند. اهمیت بر پایی جشنواره‌ها، تا به امروز، در بخش‌های خصوصی و یا بصورت دولتی، خود را در زمینه‌های مختلف نشان داده است. جشنواره‌های خاص، تاریخچه‌ای به طول یک قرن دارند و به طور کلی در چند قرن اخیر شکل گرفته‌اند. برای مثال، برخی از جشنواره‌های سنتی پس از جنگ جهانی دوم رونق یافتند، در آغاز قرن بیست و یکم برجسته‌تر شدند و در دوران مدرنیته نیز به‌عنوان یک چشم‌انداز توریستی جهانی شناخته شدند.

انواع متعددی از جشنواره‌ها در جهان وجود دارد که اکثر سنت‌های مهم را با فعالیت‌های فرهنگی جشن می گیرند و بیشتر هم در زمینه غذاهای محلی و اجرای موسیقی‌های بومی آن منطقه به اوج خود رسیده‌اند. این جشنواره‌ها مردم را با هدف اشاعه و ترویج فرهنگ اصیل آن دیار به دور هم جمع می کنند. که البته از نظر مکان و حضور مردم از سطح محلی تا ملی متغیر هستند. برای مثال، جشنواره‌های موسیقی اغلب گروه‌های متفاوتی از هنرمندان را گردهم می‌آورند، تا در کنار معرفی گونه‌های موسیقی مردم آن دیار، ایجاد شادی و نشاط در جامعه را قرین کار خود کنند .

در این راستا گردشگری فعالیت نسبتا پیچیده‌ای است که چندین بخش جامعه و اقتصاد را در بر می گیرد. البته این امر بدون برنامه‌ریزی ممکن است باعث ایجاد صدمات ناخواسته و غیر منتظره‌ای شود.

با وجود رقابت شدید برای توسعه گردشگری در جامعه باید برنامه‌ریزی‌های مناسبی صورت بگیرد تا بتوان به اهداف توسعه گردشگری دست یافت. جاذبه‌های گردشگری یک مقصد، تنها به ویژگی‌های محیط طبیعی یا ابنیه، صنایع دستی و نظایر آن خلاصه نمی گردد. در واقع رویدادهایی که در یک مقصد گردشگری رخ می‌دهند خود می‌توانند به عنوان منبع مهمی برای جذب گردشگران تلقی شوند.

امروزه اهمیت برپایی نمایشگاه ها و جشنواره‌ها در توسعه اقتصاد یک منطقه روز به روز در حال افزایش است که بر اساس بررسی‌های انجام شده برپایی فستیوال‌ها و جشنواره‌ها بویژه در سطوح محلی از جنبه‌های مختلف، موجبات پویایی اقتصاد بومی در صنعت گردشگری فراهم می‌سازد. آری برپایی یک نمایشگاه یا جشنواره بطور مستقیم تعداد زیادی گردشگر را به خود جذب می کند اما باید بتواند منجر به رونق اقتصادی آن منطقه شود.

این که ما می‌توانیم با برگزاری این گونه جشنواره‌ها نام استان را در رسانه‌های خبری و اطلاع رسانی مطرح کنیم و با همکاری اصحاب رسانه‌های مجازی و رسانه ملی، صدا و سیما، و همین‌طور شبکه‌های برون مرزی، استان را در زمینه‌های مختلف معرفی کنیم، بسیار عالی می‌نماید اما همانگونه که گفته شد حتما می‌بایست در حاشیه جشنواره و فسیتوال‌های هنری شاهد رونق اقتصادی و رفع مشکلات فرهنگی، هنری در آن منطقه باشیم.

این‌که در منطقه و شهری جشنواره‌ای هنری با عناوین مختلف و با استفاده از نام و قدمت دیرینه یک شهر برگزار شود، اما هنرمندان، برگزارکنندگان و مدیران فرهنگی آن دیار از این‌که شهرشان فاقد سینما، و مکانی مناسب برای اجرای برنامه‌های مختلف هنری است، دغدغه و یا پیگیری جمعی برای راه اندازی مکان‌های هنری نداشته باشند، این رخدادها در قاموس فرهنگ و هنر می‌تواند فاقد اعتبار و ارزش هنری باشد.

هر چند که برپایی آن مناسبت بتواند اوقات فراغت جمعی از جوانان را در مقطعی خاص و در بی‌خیالی فرهنگی پر نماید.

یاسین محمدی؛ کارگردان فیلم «خیام در بوشهر» در مصاحبه با نسیم جنوب:

خیام در بوشهر؛ پنجره‌ای به جشن و انرژی پایان ناپذیر زندگی



– چه شد که به فکر ساخت فیلم خیام در بوشهر افتادید؟

– علاقمندی به امور فرهنگی تاریخی بوشهر، پیوسته مرا در جوار این پدیده‌ها قرار می‌دهد. جامعه ما به دلیل قرار گرفتن در شرایط گذار از سنت به مدرنیته، در یک وضعیت تغییر وضعیت شتابناک قرار دارد، نهادها، پدیده‌ها و امور، مدام در حال تبدیل و تحول هستند. به همین دلیل ثبت و ضبط همه امور اجتماعی فرهنگی مرتبط با زیست انسان، بخشی از رسالت همه ما می‌تواند باشد.

در ابتدای دهه ۹۰ شمسی، یکی دو سال از محفل‌های خیام‌خوانی دوستان، عکاسی کردم، اما بنظرم رسید که به دلیل ظرفیت‌های مراسم، و سرعت تحولات و تغییر نسل‌ها، رسانه ویدئو از عکس توانایی بیشتر در انتقال آن‌چه رخ می‌دهد، دارد. از طرف دیگر هم پیشرفت تجهیزات تصویربرداری قابل حمل و باکیفیت و در دسترس قرار گرفتن ابزارهای مرتبط، به شکل فردی بدون اتکا به نهادها، تهیه یک مجموعه صوتی تصویری



را امکان‌پذیر می‌ساخت. این‌ها همه در کنار انگیزه‌های پژوهشی خودم سبب شد از حدود سال ۱۳۹۲شروع به کار کنم.

– اصولاً بنظر شما چرا خیام این‌قدر در بوشهر مشهور هست، مثل این‌که بجای نیشابور، زادگاهش بوشهر بوده است؟

– احتمالا جغرافیا می‌تواند تا حدی قضیه را توجیه کند. زیست و زندگی در کنار دریا که منبع قوت روزانه و معاش و زندگی‌ست، افراد را در وضعیت «حال» بیشتر نگه می‌دارد. یعنی بالاخره به جای چشم بستن به آسمان و ماه‌ها انتظار برای رسیدن باران و بخشندگی زمین برای کشت و زرع و دامداری، بودن در کنار دریا، شما را تا حدی از نگرانی‌های تامین معاش معاف می‌کند و از طرفی بی‌کرانگی گسترده در پیش چشم، خود به‌خود بر خلق و خوی افراد هم موثر می‌شود، شاید چنین روحیه و تفکر جمعی مردمان ساحل‌نشین، بستر آماده‌ای بوده که با ورود اشعار خیام به هر دلیل، مانند بذری که در زمین مرغوبی قرار بگیرد، مورد اقبال قرار گرفته‌ست. قطعاً زمینه‌های اجتماعی فرهنگی بوشهر، پذیرای چنین اشعاری با این احوال و نگرش بوده که توانسته در این فرم شکوفا شود.

– قدری درباره این فیلم توضیح دهید.

– مستند در چند لایه به روایت خیام از مردمان بوشهر، جغرافیای شهر، درهم تنیدگی موسیقی و زندگی و شوق به شادی می‌پردازد. ما در فیلم زندگی چند نفر را دنبال می‌کنیم که شادی و در جمع بودن را تشویق و امکان‌پذیر می‌کنند.

– زمان تهیه این فیلم چقدر بود؟

– خود فیلم ۵۶ دقیقه‌ست که تقریبا در طی ۸ سال فیلمبرداری شد.

– چرا این همه طول کشید؟

– دلیل طولانی شدن فیلمبرداری، روندی بود که در جامعه در حال اتفاق افتادن بود، تغییر و جابجایی‌ها این جمع‌های شادی از محفل خانگی تا کوچه و قهوه‌خانه و مکان‌های جمعی مانند همه پدیده‌های فرهنگی، یک فرایند زمان‌بری بود و ما هم می‌بایست که همراه باشیم و از دستکاری در روند و شکل دادن مصنوعی جریان‌ها پرهیز کردیم. به هر حال هیچ اثر هنری تمام نمی‌شود اما از یک جایی آدم احساس می‌کند که دیگر اثر می‌تواند یک معنا را منتقل کند، الکن نباشد، مثل بچه‌ای که زبان باز کرده و می‌تواند مدرسه برود. ما هم احساس کردیم که مستند می‌تواند یک معناهایی را در ملیت منتقل کند.

– سعی کردید با ساخت و نمایش این فیلم، چه چیزهایی برای مخاطب جلب توجه کند؟

– در وهله نخست ما شهری را می‌بینیم که همه به نوعی با موسیقی مرتبط هستند، محفل و مجالس



شادی می‌بینیم، اما مهم‌تر از این رویدادها، خود زندگی این چند نفر برای من مهم‌تر بود چون یک ویژگی‌هایی را نمایندگی می‌کردند که در کلیت اجتماع بوشهر قابل دیدن است. این‌که آدم‌ها چندان پیگیر محاسبات و دو دوتا کردن‌های معیشتی نیستند، پیوندهای اجتماعی خانوادگی را مهم می‌پندارند و به مکان‌های عمومی به عنوان محلی برای به هم رسیدن و تقویت امر اجتماعی همت دارند، شادی را چسب اجتماع می‌دانند و برای همین موسیقی را در همه شئون زندگی جاری کرده‌اند.

– چه شد که فیلم برای جشنواره پاریس انتخاب شد؟

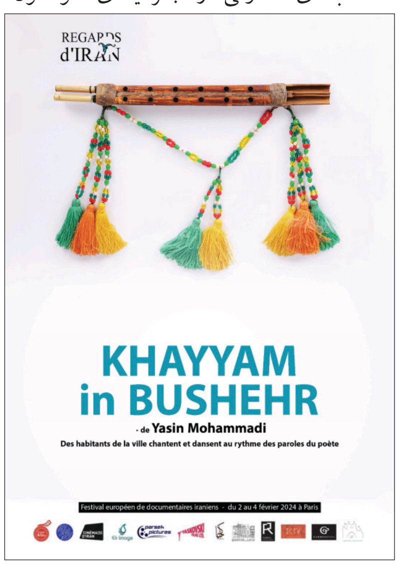
– در پی فراخوان سراسری که سال گذشته انتشار یافته بود، ما هم لینک مستند را ارسال کرده بودیم، امسال از میان همه آثار رسیده، گروهی از کارشناسان، ۷ فیلم مستند از ایران انتخاب کردند که فیلم خیام را علاوه بر مسائل تکنیکی و فنی، به دلیل این‌که تصویری متفاوت از زیست مردم ایران منعکس می‌کرد انتخاب شده بود.

– قدری درباره این جشنواره بگویید.

– جشنواره فیلم‌های مستند ایرانی با عنوان «احترام به ایران» از سه سال پیش به همت میشل نول، مستندساز فرانسوی آغاز به کار کرد و هر ساله در ماه فوریه در پاریس برگزار می‌شود. امسال هم از میان فیلم بلند و کوتاه مستند ایرانی که به جشنواره رسیده بود، از سوی کمیته انتخاب تعداد ۷ اثر از آن‌ها برای مسابقه و تعدادی دیگر برای بخش سینه کلوب ماهانه انجمن این جشنواره انتخاب شد که به مرور در ماه‌های آینده به نمایش درخواهند آمد.

– استقبال از این فیلم در جشنواره پاریس چگونه بود؟

– در یکی از سینماهای پاریس که محل اکران فیلم‌های تجربی و آوانگارد است اکران شد و مخاطب‌های متفاوتی از جغرافیاهای گوناگون



مستند «خیام در بوشهر»
کارگردان: یاسین محمدی
تدوین: مصطفی غضنفری – کسری کمایی
تصویربرداران: امین محمدی – حسین حیدرپور – مهدی جهان افروزیان– مصطفی غضنفری
صدابردار: میثم قیصی زاده
صداگذاری: آرش قاسمی
نویسنده گفتار متن: احسان عبدی پور
گوینده گفتار متن: علیرضا غفاری
مدیر تولید: سجاد سلیمانی
برنامه ریزی: سید احمدرضا هاشمی
گرافیک وپوستر: محمد رحیمی زاده
اصلاح رنگ و نور: فربد جلالی
عکس: مریم شیخ‌سقا
ترجمه: احسان محمدی
تصاویر هوایی: امین گل افشان– فخرالدین محمدی
هماهنگی: کمال حسین‌پور– محسن خرمایی پور
تهیه کننده: یاسین محمدی

بیننده این فیلم بودند، و به نقل از رییس جشنواره، در آینده هم فیلم در چند سینمای شهرهای دیگری از فرانسه در یک تور اکران خواهد داشت و به شکل محدودی در قالب یک DVD به همراه فیلم‌های دیگر در کتابخانه‌های موزه‌ها و مراکز هنری برای مراجعین خاص در دسترس قرار خواهد گرفت.

– چه نکاتی بیشتر مورد توجه بینندگان در آن جشنواره قرار گرفت؟

–انرژی و شوری که در زندگی مردم بوشهر جریان داشت، خیلی مورد توجه قرار گرفته بود و به دلیل انعکاس تصاویر کمتر شادمانه از سرزمین ایران در عمده فیلم‌ها، با دیدن این فیلم به نوعی شگفت‌زده می‌شدند. مثلا یک جوان ایرانی ساکن فرانسه، که فقط یکسال اول زندگی را در بوشهر گذرانده بود، بعد از فیلم گفت «من خیلی خوشحال شدم که جغرافیایی که در اون متولد شده‌ام این همه شور و شعور دارد، این تصویر فیلم شما به من حس غرور داد».

در بخشی از بولتن جشنواره فیلم را این گونه انعکاس داده بودند که «در فیلم خیام در بوشهر راوی مانند یک قصه‌گو با صدایش ما را در فضایی جادویی قرار داده تا هر کسی را به رویا ببرد. سخنوری گرم او همراه با مراسم گرم و شادی که زندگی را نشانه‌گذاری می‌کند.

در این فضا– زمان، ما با ساکنان محلی با کلمات اجدادی، زندگی معمایی و جذابی را بخوانیم و برقصیم.

محیط این فیلم که از نزدیک مجالس فرهنگی موسیقایی بوشهر را به نمایش می‌گذارد، پنجره‌ای است در روح جشن و انرژی پایان‌ناپذیری که شهر در خود دارد، گویی دائماً توسط امواج خلیج‌ارس تغذیه می‌شود بر این چهره کم تصویر شده مردم ایران.»

– اگر خیام را می‌دیدید، چه به او درباره بوشهر می‌گفتید؟

– خیام در زندگی شخصی اون‌جوری که در تاریخ آمده، خلق تنگی داشته و کم حوصله بوده و جواب سوالش نمی‌شد کرد. اما اگر در این زمانه ما می‌بود، حتمن می‌گفت تنها گروهی که بعد از چند صد سال مرا درک کرده‌اند، همین شما بوشهری‌ها بودید که به آواز طرب، خوش هستید و بی دغدغه دیروز و فردا، امروز را خوش داشته‌اید.

– پروژه‌های بعدی چه در دست دارید؟

– یک سه گانه مستند در مورد بوشهر در این چند سال کار کرده‌ام که اولینش خیام بود، دومی درمورد دمام و سومی روایتی از موسیقی بوشهر در سه دهه از چهل تا شصت که امیدوارم به زودی به انجام برسند.

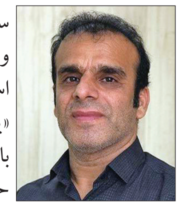
– سخن پایانی؟

– این فیلم به پایان نمی‌رسید مگر به همت و یاری دوستانم که بی هیچ چشمداشتی همراهی کردند، تمام آن‌هایی که در فیلم حضور دارند و دوستانی که در پشت صحنه یاری رسانده‌اند، همه شایسته بهترین درودها هستند.

نگاهی به مجموعه داستان «تا انتهای همان کوچه» از سهیلا شعبانی

مملو از عاطفهٔ انسانی

بشیر علوی



سهیلا شعبانی متولد ۱۳۴۷ و زادهٔ بوشهر، محله بهبهانی است. دفتر شعری با عنوان «یک پای عاشقانه‌ی همیشه»، با مقدمهٔ دکتر سیدجعفر حمیدی، از وی در بهار ۱۳۹۹ به چاپ رسید. کتاب «زن به روایت زن» با مقدمه سیدقاسم یاحسینی، که به مصاحبه با زنان خبرنگار استان بوشهر، بررسی چالش‌ها، بیان نظرات و پیشنهادات آنان پرداخته است، نیز از وی منتشر شده است.

مجموعه داستان کوتاه «تا انتهای همان کوچه» از خانم سهیلا شعبانی با مقدمهٔ محمدرضا صفدری در سال ۱۴۰۰ با نشر بید منتشر شده است. این مجموعه دارای ۱۱ داستان کوتاه است.

گریز از جنگ و پیش‌آمدهای آن، راه نجات زن، مشکلات و گرفتاری‌های زنان به‌ویژه در برابر مردان، و ذهن قوی و جستجوگر زنان از جمله مؤلفه‌هایی هستند که در داستان‌های کوتاه این مجموعه یافت می‌شوند. نوع پردازش به متن و زبان، و شیوه برخورد با شخصیت‌ها و نحوهٔ بیان مشکلات و بروز دادن آن‌ها نوعی نگاه زنانه را به متن نشان می‌دهد؛ نگاهی که از دید یک نویسندهٔ زن نمی‌تواند پنهان بماند.

داستان‌های کوتاه خانم شعبانی، مملو از عاطفهٔ انسانی است. تکیهٔ اصلی وی در تیپ‌سازی شخصیت‌ها و صحنه‌سازی‌ها، نشان دادن نوعی نگاه انسانی به دنیای پیرامون است. بیشتر مؤلفه‌های کم‌نام را دیده و بررسی کرده است. آلزایمری‌ها، عشق یک پسربچه به دختری از کشور انگلیس با فاصله طبقاتی زیاد، ذهن‌خوانی یک دختربچه برای انتخاب مدرسه با صفای روستا یا زیبای شهر، غریقی که به فکر نجات است، و سوءظن‌های مردمی را نیز از نظر گذرانده است.

توصیف اقلیم و بومی گرایی واژه‌ها، در این داستان در زمرهٔ سبک اصلی نویسنده قرار گرفته است. اگر بخواهیم یک نمونه را از ویژگی‌های زبانی وی در این متن نام ببریم، به‌یقین استفاده کردن از واژه‌های بومی به همراهِ توصیف صحنه‌های جنوب، بهترین و مهم‌ترین ویژگی زبانی و ادبی وی است که باید به آن اشاره کرد. صحنه‌هایی که جنوبی‌هایِ خونگرم گرمادیدهٔ شرجی‌شناس بارها آن را تجربه کرده و با آن‌ها تشخص تجربگی دارند.

در گرمای ظهر تابستان بوشهر، پرنده هم پر نمی‌زد، چه رسد به این که کسی بیرون بیاید.

می‌خواست به دیوار تکیه دهد؛ اما همین که دستش را گذاشت، پس کشید. دیوار مثل تنور حرارت داشت.

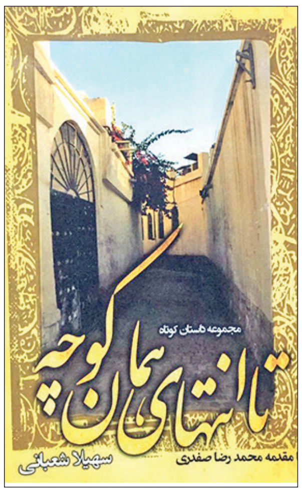
اولین شب از شدت گرما و شرجی، تشکی که روی تخت بزرگ فلزی گوشه‌ی حیاط پهن بود، نمناک شده که بسیار چندش آور بود.

در کنار توصیفات آب و هوایی، صحنه‌سازی‌های بومی نیز از رویکرد خوب این کتاب است:

معلوم بود از کوچه‌های تنگ و باریک، با ساختمان‌های بلند و در و پنجره‌های چوبی، لذت می‌برد.

مش‌کرم، ماهیگیر بی‌سوادی بود که صورت سوخته‌اش زیر آفتاب برشته به نظر می‌رسید. صبح کلهٔ سحر به دریا می‌رفت و هنگامی که نور خورشید نارنجی می‌شد، به لنگرگاه برمی‌گشت... بیشتر اوقات کمکش می‌کردم از جمع کردن تور و قلاب گرفته، تا خالی کردن ماهی‌ها...

پایان داستان‌های این مجموعه، کمتر قابلِ ازپیش حدس زدن است. پایان ناگهانی از تکنیک‌هایی است که نویسنده، آن را به دست راوی داده است. خواننده هر لحظه در پایان داستان منتظر یک اتفاق خاص یا تغییر ناگهانی داستان است. راوی معمولاً در پایان داستان‌های این مجموعه، چیزی را رو می‌کند که در داستان بیان نکرده است.



درد و رنج و غم از ویژگی‌های سبکیِ این متن است. داستان‌ها معمولاً با جمله یا پیام یا خبری و گزارشی غمگین تمام می‌شوند. هرچند پایان همه داستان‌ها این‌چنین است، ولی در نوع خود ارزشمند است، زیراکه نوعی نوستالژی را برای خواننده مطرح می‌کند. به‌ویژه خواننده‌ای که عمری گذرانده و بیشتر این صحنه‌ها و دردها را تجربه کرده و لمس نموده است.

روایت را با دو برش زمانی مطرح کردن از خصیصه‌های دیگر این متن است. راوی معمولاً جریان‌های گذشته و حال را توأمان روایت می‌کند. در یک بند برشی از گذشته و در بند دیگر برشی از زمان حال مطرح می‌شود.

راوی در داستان «نخل‌های بی‌سر»، سوم شخص مفرد و از نوع دانای کل است. گرایش زبان به سمت گویشی است، ولی گویش را چنان درگیر متن نکرده که خواننده، متن را گم کند. موضوع این داستان، درام است، حتی اگر از ذهن و زبان نویسنده هم باشد، باز هم نمونه‌های واقعی فراوانی دارد. مادری که سال‌ها منتظر برگشت فرزند مفقودالاثر خود بوده و نذر و نیازهای فراوانی نموده و در نهایت فرزند شهیدش برمی‌گردد. راوی در این داستان به دنبال نشان دادن وضعیت بعد از جنگ، به‌ویژه برای مادرانی است که فرزند از دست دادند. داستان در خوزستان و تا اندکی در بوشهر و در هوای تفتیده اتفاق افتاده است. راوی تلاش می‌کند، درد مادرانی را نشان دهد که بعد از جنگ و به شهادت رسیدن فرد یا افرادی از خانواده‌شان، تحمل کردند. دردی همراه با امید و نیاز. دردی عاشقانه که فقط یک مادر می‌تواند تحملش کند. همان دردی که «دی عبدوی» داستان «نخل‌های بی‌سر» تحمل و تجربه‌اش کرد. درد همه مادرانی که بعد از جنگ، زندگی بدون فرزند و همسرشان را تجربه کردند. همین تجربه خود نوعی برخورد با مشکلات زنان است. زنان/مادرانی که فرزند یا همسرشان شهید شدند، باید به یک زندگی جدید عادت کنند. این عادی شدن‌ها چیزی نبود که به سادگی اتفاق بیفتد و شاید در بسیاری از موارد اصلاً اتفاق نیفتاد و درد مادران تا ابد ماند.

در داستان «قاسو و دختر انگلیسی» نیز، تکنیک معمول که در دیگر داستان‌های این کتاب اتفاق افتاده بود، به کار برده شده است. راوی موضوعی را که کلید داستان است، واضح و آَشکار بیان نمی‌کند. به گونه‌ای بررسی می‌کند که خواننده نیز باید درگیر شود و با اندکی حدس و تحلیل داستان به نتیجه برسد. قاسویی که عاشق دختر انگلیسی به نام آیلین می‌شود که پدرش قاچاق می‌کند. با رفتن آیلین به خاطر شغل پدرش و ترس از گرفتاری آن‌ها عشق قاسو نیز بی‌نتیجه می‌ماند. راوی در این داستان اول شخص مفرد است. راوی خود قاسو است که شخصیت اصلی داستان محسوب می‌شود. داستان در بوشهر در هوای گرم و سوزان بوشهر اتفاق افتاده است. راوی افزون بر اینکه نوعی عشق ناکام را به رخ می‌کشد به دنبال نشان دادنِ زندگی فقیرانه مردم آن زمان بوشهر و مقایسه کردن آن با زندگی انگلیسی‌هایی است که در بوشهر زندگی می‌کردند. باورها و اعتقادات مردم بوشهر نسبت به اهل جن نیز در این داستان بیان شده است. باورهای مذهبی و برتری مذهب اسلام بر دیگر مذهب‌ها در این داستان توسط خانوادهٔ قاسو خیلی آرام و ریز بیان می‌شود. توصیفات این داستان به‌ویژه آنجایی که در توصیف ساختمان یا صحنه‌ای تلاش می‌کند، موفق است و هرچند با داستان کوتاه سروکار داریم، ولی باز نویسنده، توصیفات را در این داستان فراموش نکرده و خواننده را در تعریف و شناخت صحنه‌ها یاری می‌کند. پاکی و صداقت دوران کودکی از دیگر مواردی بود که نگارنده از این داستان دریافت نمود.

در داستان «حسرتی ابدی» از فرد تبعیدی که از کرمانشاه به بوشهر فرستاده شده، سخن می‌راند. فردی به نام جمشید که در کرمانشاه ناخواسته گرفتار قتل ناخواسته‌ای شده و سرانجامش تبعید به بوشهر شده است. در نهایت با پایان بازِ داستان جمشید می‌میرد، ولی نوع روایت به گونه‌ایَ بود که چگونگی مرگ وی بوسیله راوی دقیق تعیین نشد و خواننده با نشان‌هایی که درمتن می‌بیند باید متوجه این اتفاق شود.

«دیدار تلخ» که با راوی اول شخص مفرد روایت می‌شود، تکنیک خوبی دارد و باز پایان مبهمی را پیش‌روی خواننده گذاشته است. در این داستان چند توصیه دیده می‌شود: طمع نکردن، دست به خیر داشتن، حرف‌های مثبت زدن و قدم خیر برداشتن. داستان بسیار کوتاه است. پایان این داستان که بعد از نشست چند دقیقه‌ای کنار امین برای ناصر اتفاق می‌افتد، با این جمله به پایان می‌رسد، جمله‌ای که خود حاوی پیامی روان‌شناسانه است:

فکر کردم همین تو همین دیدار کوتاه، چندبار کلمه‌ی تلخ را به کار برد؛ ته حلقم احساس تلخی کردم.

داستان «تا انتهای همان کوچه» برش کوتاهی از زندگی دختری است که به دنبال مادرش می‌گردد. در یک ظهر تابستان گرم و پرشرجی در کوچه و پس‌کوچه‌های گرم بوشهر به دنبال مادرش همه جار را دور می‌خورد و درنهایت معلوم میِ‌شود که مادر این دختر مرده است و دختر تقریباً روانی یا آلزایمری شده و آن روز قرص‌هایش را نخورده است. در این داستان بدون که بخواهی، اندوه کسانی می‌خوری که این‌چنین‌اند. انسان‌هایی که در دنیای پاک آلزایمری، معصوم و بی‌گناه دست به اشتباهاتی می‌زنند که راهی به جز نگاهِ دلسوزانه به وی به جا نمی‌ماند. برای یک خواننده بسیار جذاب و ارزشمند است که نویسنده به سراغ چه موضوعاتی رفته و چگونه با کلمه‌هایی اندک این احساس را در درون خواننده تولید می‌کند.

در داستان «ماجرای اتاق شمالی» که یک منولوگ نمایشی مطرح می‌شود، ذهن‌خوانی و ذهن‌گویی شخصیت‌ها پیش می‌آید. تصاویر تودرتو و مرور خاطرات گذشته و حال، داستان را به سمت و سوی دوگانگی متن و مفهوم پیش برده است. نوعی دوگانگی که برای خواننده پیش می‌آید، ولی از همین دوگانگی است که لذت می‌برد. پایان این داستان نیز، پایانی ناگهانی است و ناگهان با جمله زیر داستان به پایان می‌رسد:

او همه چیز را دیده بود، درست توی اتاق شمالی که پدر از پنکه‌ی سقفی آویزان مانده.

در داستان «حلقهٔ گمشدهٔ زندگی» نیز با دو نوع برش زمان مواجه هستیم. این برش زمانی از ویژگی‌های سبکی خانم شعبانی شده است. راوی در یک بند برشی از گذشته را حکایت می‌کند و در بند دیگر زمان حال را روایت می‌نماید. این تغییرِ برشِ زمانی برای خواننده، نوعی کلافگی می‌آوردَ و دَر پایان داستان نیز همین کلافگی پیش‌آمده است که لذت داستان را برای خواننده چندبرابر می‌کند.

در داستان «ناخدا حیدر» نیز با پایانی عجیب و غم‌انگیز و دلهره‌آور مواجه هستیم. ناخدا حیدری که لنجش در دریا غرق شده و بر تخته‌ای خوابیده و امید نجات دارد. بعد از چند روزِ سخت، خشکی را می‌بیند و دل‌خوش از دیدن خَشکی و نجات از دریای سهمگین و رهایی از غرق شدن، با دست‌های بی‌نای خود پارو می‌زند تا هر چه زودتر به خشکی برسد. خواننده نیز خوشحال از رسیدنِ ناخدا حیدر به ساحل است که جملهٔ آخر این‌چنین غم‌انگیز و مبهم و مات به پایان می‌رسد:

ناخدا به هیچ‌چیز جز رسیدن به خشکی فکر نمی‌کرد، حتی به خونی که از دستانش در آب می‌ریخت و کوسه‌هایی که از پس او می‌آمدند.

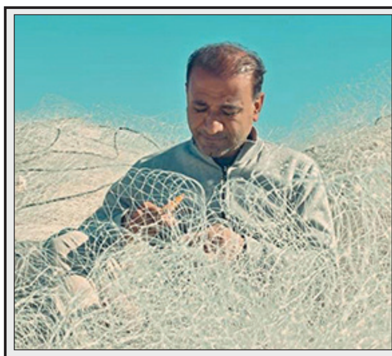
شهروند صیاد نمونه بوشهر



جواد غلام نژاد جبری : از موقعی که ماهیگیری را برای سروسامان دادن تعاونی گذاشت کنار و به عنوان رئیس تعاونی اسکله صلح آباد انتخاب شد، بی شک و بی تردید هرساله به عنوان بهترین اسکله صیادی در بوشهر شناخته می‌شود. نظافت، آوردن امکانات برای صیادان ازجمله پمپ، بنزین و گازوئیل، گذاشتن دوربین و نگهبان برای شناورها، ایجاد شغل برای چندین نفر بومی و حتی فعالیت در کارهای فرهنگی و ورزشی هم برای جوانان محل و هم برای صیادان از جمله کارهای بسیار زیادی است که کرده، فقط ناخدا هادی بزم جهانی در بین تمام اسکله‌ها این‌گونه از تیم فوتبال برای صیادان و جوانان محل و فعالیت‌های فرهنگی از چاپ کتاب و... حمایت کرده و در کنار جوانان محل همیشه بوده است.

برای صیادان همیشه سینه سپر کرده است و برای حق و حقوقشان هر روز در حال دویدن است تا حقی از صیادان اسکله صلح آباد بوشهر ضایع نشود.

پیشنهاد می کنم که به عنوان شهروند نمونه شهر در روز بوشهر از ناخدا هادی بزم جهانی تقدیر و تشکر گردد. اهالی مردم صلح آباد یک مرد به تمام معنا را در محل خود دارند.



مصاحبه با نجمه کرمانی مدرس نقاشی‌خط ،کالیگرافی و خوشنویس:

نقاشی‌خط؛ زیبا و پرتکنیک

به کوشش احمد موسوی‌زاده

– لطفا خودتان را برای خوانندگان نسیم جنوب معرفی کنید.

– نجمه کرمانی هستم فارغ التحصیل رشته گرافیک، مدرس خوشنویسی و نقاشی‌خط، دبیر فرهنگ و هنر و مدرس دانشگاه.

– چه مدت هست که به این هنر روی آوردید؟

– از سال ۷۹ وارد انجمن خوشنویسان بوشهر شدم و بعد از فارغ التحصیلی از دانشگاه (رشته گرافیک) به صورت حرفه‌ای در زمینه نقاشی خط به مدت ۱۰ سال فعالیت دارم (در واقع تلفیق دو هنر که فعالیت داشتم خط و نقاشی).

– چه دوره‌هایی در این زمینه طی کردید؟

– در حال حاضر دوره ممتاز انجمن خوشنویسان هستم و در طول این مدت شاگرد استاد استوار در انجمن خوشنویسان بوشهر بودم و نزد استاد خط نستعلیق و ثلث کار کردم، و بعد از آن، بیش از ۵ دوره نقاشی خط را در بسیاری از شهرهای مختلف نزد اساتید بنام این رشته از جمله استاد بهدانی، استاد یزدانی، استاد صفار، استاد امراللهٔ‌زاده و استاد ابراهیمیان و... گذراندم.

– چند نوع خط هنری در ایران کار می‌شود و شما چه خطی را کار می‌کنید؟





– تنوع خط‌ها در ایران زیاد هست، بنده خطاطی را از نستعلیق شروع کردم و وقتی به دوره عالی رسیدم خط دومم خط ثلث انتخاب کردم و در حال حاضر تابلوهای نقاشی‌خطی که کار می‌کنم اکثرا از خط ثلث برگرفته شده، البته از خط کوفی نوین هم برای تابلوهایم استفاده می‌کنم.

– تفاوت خوشنویسی با نقاشی‌خط را برای خوانندگان می‌فرمایید؟

– در خوشنویسی سنتی تمام حروف و کلمات طبق قواعد و مقررات همان خط نوشته می‌شود که معمولا تحریر با نی قلم، کاغذ و مرکب هست. ولی در نقاشی‌خط یکم کار گسترده‌تر می‌شود و خط را با نقاشی تلفیق می‌کنیم و با تکنیک‌های مختلف می‌توانیم این‌کارها را روی تابلو اجرا کنیم. در نقاشی‌خط ما می‌توانیم کمی اصول و قواعد خط را طبق سلیقه و خلاقیت خودمان تغییر بدهیم و برای تحریر می‌توانیم از نی قلم و قلم مو و حتی از ابزارهای دیگر استفاده کنیم و در اکثر کارها آثار خوانش ندارند.

– شما یک پروژه چترنویسی داشتید، در مورد آن هم توضیح دهید.

– چهارمین جشنواره چتر نویسی با نام «باز باران» در سطح کشور را امسال در فرهنگسرای شیخ حسین چاهکوتایی برگزار کردیم که از یک هفته قبل فراخوان زدیم و نام نویسی در رشته‌های مختلف هنری داشتیم. جشنواره دوم هم سال ۱۴۰۰ بعد از تهران در بوشهر برگزار شده بود. که بیش از ۴۰ نفر نام‌نویسی کردن که اکثر شرکت‌کننده‌ها هنرجوهای خودم بودن (کالیگرافیست). در رشته‌های نقاشی و گرافیک هم شرکت‌کننده داشتیم و در بخش کودکان هم ۹ کودک به همراه خانواده هایشان شرکت داشتند و محیطی سرشار از آرامش و هنری بوجود آمده بود که حدود ۶ ساعت زمان برد و بازدید برای عموم هم آزاد بود.

به نظر بنده آینده روشن این سرزمین با گسترش سلامت جامعه فراهم می‌شود و تلاش خالصانه اهل هنر در بستر فرهنگ‌سازی نیکوکاری و خیرخواهی بود و تمام درآمد حاصل از این جشنواره و فروش آثار صرف درمان بیماران سرطانی شد. هم‌زمان در این جشنواره آموزش هم داشتیم، یعنی کسانی که آموزش از قبل ندیده بودن هم می‌توانستند شرکت کنند و همان‌جا آموزش می‌دادیم و ارائه کار می‌کردند. در پایان کار به شرکت کننده‌ها لوح تقدیر داده شد و به خردسالان هدایایی اعطا شد.



– دست‌اندرکاران این جشنواره چه کسانی بودند؟

– دبیر جشنواره استاد عظیم فلاح (از تهران) که از اساتید بنام نقاشی‌خط در سطح کشور هستند، مشاور هنری خانم مریم حاصلی و مدیر اجرایی بنده بودم.



– چه فعالیت دیگر هنری داشتید؟

– حضور در بیش از ده نمایشگاه انفرادی و گروهی در سطح استان و خارج از استان و برگزاری بیش از ۵۰ ورکشاپ نقاشی‌خط در سطح استان، ارسال چندین اثر نقاشی‌خط در گالری‌های کشور ابوظبی و در حال حاضر در آموزشگاه هنری مشغول به تدریس این هنر هستم. تازگی هم نمایشگاه گروهی بنده به همراه ۱۵ نفر از هنرجوهایم در عمارت تاریخی دهدشتی برگزار شد که با استقبال کم‌نظیری روبرو شد.

– گویا در سطح شهر بوشهر هم فعالیت هنری دارید.

– بله، به جز اجرای تابلوهای نقاشی‌خط علاقمند به اجرای این هنر بر روی دیوار هم هستم که در سطح شهر و مکان‌های متعدد این کار رو انجام دادم از جمله مدارس، کتابفروشی، کافه، سالن اجتماعات، دیوارهای شهر(مبلمان شهری) و حتی نماز خانه‌ها.

– چه توصیه ای برای علاقمندان به این هنر دارید؟

– توصیه من به علاقمندان و هنرجویان به این رشته هنری این است که تمام سعی و تلاش خود را نسبت به خط مورد علاقه‌شان را زیر نظر اساتید مجرب سپری کنند، زیرا نقاشی‌خط مقوله بسیار زیبا و پرتکنیک است که هر چند وقت یکبار باید هنرمند به روزرسانی شود تا در نهایت به سبک و تکنیک مورد نظر خودشان برسند.

– سخن پایانی؟

– خواهش من از دیدگاه کسی که سال‌هاست در این رشته هنری فعالیت‌های گوناگون داشته و دارم، این است که مسئولین همکاری‌های بیشتری برای برگزاری هر نوع جشنواره و نمایشگاه‌های که هنرمندان برگزار می‌کنند داشته باشند. همکاری‌ها به صورت سلیقه‌ای نباشد و از همه کسانی که خلاقیت و توانایی دارند دعوت به عمل بیاورند. در مورد اجاره مکان‌های نمایشگاه و جشنواره‌هایی که خصوصا در مناسبت‌های مختلف سال برگزار می‌شود، تعامل بیشتری نشان دهند، هم از بعد معنوی (بازدید و دیدن از نمایشگاه آن هنرمند) که انگیزه‌ای برای کارهای بیشتر و بهتر داشته باشند.

در آخر از همه مسئولین و کسانی که هنرمندان را یاری می‌فرمایند تشکر و قدردانی می‌کنم.

به امید پیشرفت و بالا رفتن سطح هنری استان بوشهر.

موفقیت نمایش «فوربونکر» از فرهنگسرای استاد امیری در جشنواره نگین خلیج‌فارس



نمایش «فوربونکر» از فرهنگسرا استاد امیری در اختتامیه جشنواره استانی نگین خلیج فارس حائز ۹ مقام در بخش های مختلف شد.

کارگاه بازیگری «کلاغ‌ها»که سالهاست با همت غلامرضا خضری سرپرست گروه کلاغ ها و مدرس بازیگری فرهنگسرا ، به پرورش بازیگران نوجوان و جوان می‌پردازد، توانست با نمایش «فوربونکر» به کارگرانی امیر سالار حمیدی و نویسندگی غلامرضا خضری و با معرفی نسل جدیدی از تئاتر؛ دریا زارعی ، هانیه تنگ ارمی ، زهرا معینی و فاطمه پورمحمد و امیرحسین یزدان پناه ، ارشیا خواجه ، احمد رضا احمدی فر و به دستیار کارگردانی نرجس سامری و عوامل در بخش های دیگر فرشید لبخند پور و گریم ساحل صالحی در این دوره جشنواره شرکت کند که حائز مقام های زیر شد:

بازیگری اول زن هانیه تنگ ارمی
بازیگر سوم زن فاطمه پورمحمد
بازیگر اول مرد ارشیا خواجه
بازیگر سوم مرد احمدرضا احمدی فر
طراحی لباس برتر فرشید لبخند پور
طراحی گریم ساحل صالحی
کارگردانی دوم امیر سالار حمیدی
و نویسندگی سوم غلام رضا خضری
و همچنین تقدیر از طراحی صحنه برتر.

پریسا امیری مدیر این آموزشگاه که در هنرهای نمایشی و تجسمی و موسیقی فعال است، اظهار داشت: این کارگاه بازیگری با پتانسیل حداقل ۶۰ هنرجوی بازیگری توانسته امسال با دو نمایش «این خانه سیاه است» و «فوربونکر» در جشنواره فجر استانی و نگین خلیج فارس شرکت کند و حائز رتبه های مختلف شود.

امیری افزود: این فرهنگسرا و کارگاه بازیگری را به یاد و نام پیشکسوت فقید تئاتر بوشهر، استاد رمضان امیری و بر اساس توجه و علاقه خاص ایشان به پرورش جوانان در عرصه هنری، بنا کردیم و امروز خوشحالیم که این راه ادامه دارد و امیدواریم با همت این نسل جدید بتوانیم تئاتر بوشهر را همچون گذشته به اوج برسانیم.

رونمایی از ۳ کتاب در حوزه دریانوردی بوشهر

کتاب‌های «بابا ناخدا و برج نجات» و «کوسه‌ها هم گاهی جلیقه می‌پوشند» اثر حسین باقری با حضور سرپرست معاونت امور دریایی و شماری دیگر از مدیران و مسئولان دریایی سازمان بنادر و دریانوردی در بوشهر رونمایی شد.

نویسنده این کتاب‌ها گفت: این کتاب‌ها با هدف ترویج فرهنگ ایمنی دریانوردی به رشته تحریر درآمده و به ترتیب ویژه بازه‌های سنی ۵ تا ۸ و ۸ تا ۱۴ تالیف شده است.

از دیگر آثار به چاپ رسیده از حسین باقری می توان به کتاب «جستجو و نجات دریایی» در سال ۱۴۰۰ و سه کتاب دیگر در حوزه ادبیات داستانی، شعر و پژوهش ادبی اشاره کرد.



nasimjonoub.com

نسیم جنوب

هفته نامه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، ورزشی

هفته نامه نسیم جنوب
دیرپاترین نشریه تاریخ بوشهر

تلفن های تماس
۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
۰۷۷۳۳۳۲۸۱۵۱ - ۰۷۷۳۳۳۲۵۹۰۰
www.nasimjonoub.com

صاحب امتیاز: دکتر امیر خلف‌پور
مدیر مسئول و سردبیر: دکتر یونس قیصی‌زاده
دبیر هئیت تحریریه: نسیم فقیه
نشانی: بوشهر، میدان قدس، کوچه بوستان ۳۰،
دفتر نسیم جنوب - تلفن: ۳۳۳۲۵۹۰۰ - ۰۷۷
تلفن همراه و واتساب: ۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
لیتوگرافی و چاپ: بهارستان

به بهانه ساخت بیمارستان نفت در شیراز

عدم همکاری برای ساخت بیمارستان خصوصی در بوشهر

مصطفی دشتی

در مورد آغاز عملیات اجرایی ساخت بیمارستان صنعت نفت درشیراز لازم دانستم به استحضار برسانم چندین بار دکتر مهرسای فوق تخصص اورولوژی اهل بوشهر مقیم تهران که سالها در بیمارستان سینای تهران در بخش پیوند کلیه کار می کرد و نود درصد پیوند مردم استان بوشهر را خود به عهده گرفته بود و اکنون به عنوان مشاور در بخش‌های اورولوژی چند بیمارستان پزشکان مربوطه از تخصص وتجربه ایشان استفاده می‌نمایند، تصمیم قاطع برای ساخت بیمارستانی تخصصی در بوشهر گرفته بود و تقاضا کرده بود تا زمینی در اختیارش قرار داده شود تا برای رفاه حال بیماران زادگاه خود در بوشهر این بیمارستانی خصوصی را احداث نماید که مردم مجبور نشوند جهت معالجه به شیراز یا تهران بروند.
ولی اطلاع کامل دارم کوچکترین همکاری با وی نشد. اما در حالی که شیراز از نظر پزشکی خاصه بیمارستانهای خصوصی از هر نظر بی‌نیاز است، سهم مردم بوشهر اکنون قرار است در آنجا هزینه شود! حالا نمایندگان و استاندار بگویند این چنان کردیم و آن چنان کردیم، چه فایده وقتی نمی‌توانند از حقوق مردم بوشهر دفاع کنند.
خدا خودش دلش برای مردم این استان بسوزد.





یلدا فقیه
دانش‌آموز نمونه
دبستان تربیت با
تشکر از آموزگار
محترم خانم آل‌بویه



ویدا فقیه
پیش دبستانی شجره
طیبه
با تشکر از سرکار خانم
نوروزی

به مناسبت اجرای فستیوال موسیقی محلی کوچه در بوشهر

موسیقی؛ بخشی از هویت بوشهر

رضا نکیسا



رسوم، آیین‌ها و ارزش‌های کهن هر جامعه به شکل‌های مختلفی تبلور می‌یابد که یکی از آن‌ها موسیقی است.
موسیقی بخشی از هویت یک شهر، منطقه و یا کشور را همیشه به همراه و در درون خود دارد. موسیقی فولکلوریک بوشهر بستر بسیار زیبا و جذابی برای بیان ارزش‌ها و جلوگاه فرهنگ است. تلفیق موسیقی سنتی با هنر معماری در بافت بیننده‌ای زمزمه می کند.
آن‌جا که موسیقی از کار طاقت‌فرسای جاشوها در دریا می گوید زیباترین عبارات را در موزون‌ترین نت‌ها و کلام به شنونده منتقل می کند.
بخشی از موسیقی بوشهر در خیام خوانی متبلور است که سبکی از زندگی جمعی مردم این خطه را نشان می‌دهد.
موسیقی این شهر عجین شده با فرهنگ دیرپای این دیار تاریخی و کهن میراثی است بس گرانبها که حفظ و اشاعه آن وظیفه ذاتی همه ساکنان این



تاریخی بوشهر ترکیبی نوستالوژیک را رقم می‌زند که جان آدمی را جلا می‌بخشد، و روح را به پرواز در می‌آورد.
زایش زیباترین روح هنر و خلق ارزش‌های جهان شمول به زیباترین و موزون‌ترین شکل ممکن، آدمی را به یاد خالق تمام رنگ‌ها و آهنگ‌ها می‌اندازد.
موسیقی در بوشهر یکی از جاذبه‌های گردشگری است، این هنر آن‌گاه که با بافت تاریخی و معماری اصیل این شهر همراه می‌شود از خود اصالتی جاودان را به یادگار می گذارد.
سهم هنرمندان بوشهری در شناخت فرهنگ، آداب، رسوم و سنن از دریچه موسیقی به زیباترین شکل ممکن روح هر رهگذری را نوازش و نجواهای مردمان پرتلاش این دیار را در گوش هر ساحل غرور آفرین است.
باید تاکید کرد که نمی‌شود از موسیقی گفت و از اساتید این حوزه از جمله محسن شریفیان و آکا صفوی نگفت، هنرمندانی که با دانش موسیقیایی آن‌ها توجه کمتری شده است.
حسن خطام این کلام تاثیر شگرف این هنر گرانبها در معرفی میراث غنی بوشهر در تعامل آن با دیگر مناطق کشور است.
من هیچ وقت متوجه نشدم چطور می شود از موسیقی لذت نبرد و با آن به عناد برخاست.
موسیقی انعکاس روح لطیف خالق زیبایی‌هاست در کلام و آهنگی موزون این هنر در بوشهر نقطه اتکا، اتحاد، همبستگی و عامل شور و نشاط اجتماعی است.
طنین این موسیقی بر همه دوران جاودان باد.

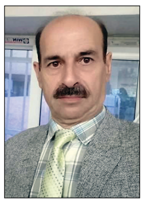
یک عکس خاطره انگیز از دهه ۵۰

غلامحسین حسن ابراهیمی: اردوی پیش آهنگی مدرسه راهنمایی تحصیلی نوشیروان شهر اهرم در زمستان سال ۱۳۵۲ - محل عکس اولین پل جدید الاحداث مُند.
نفرات نشسته از راست: مرحوم ابراهیم (غلامحسین) ارجمندی - نفر دوم احتمالاً آقای چاهیبخش از دبیران اهل بوشهر.
نفرات ایستاده از راست: دبیر ناشناس - فاطمه شکاری - مرحوم کاردانی - دبیر ناشناس - مرحوم حاج محمد حسین‌زاده - مرحوم حاج مصطفی افخمی - و جمعی از دانش آموزان حاضر در اردو



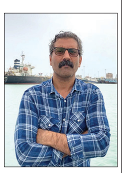
با حرف و شعار نمی‌توان به توسعه گردشگری رسید

دکتر عباس حاتمی



رئیسی: «بهترین راه کاهش اتکاء به در آمد نفتی توسعه گردشگری است».
از این‌که ایشان بالاخره این را درک کردند یک قدم رو به جلوست! ایران ظرفیت پذیرش ۲۰۰ میلیون گردشگر داخلی و ۳۰ میلیون گردشگر خارجی با توان ایجاد ۵ میلیون شغل دارد. ولی با حرف و شعار نمی‌توان به این هدف رسید و باید با صدور بخشنامه ای با مضمون زیر دستور اجرایی دهند:
۱-هر گونه مزاحمت برای جلوگیری از شادی جوانان ممنوع شود. پلیس ویژه توریسم تشکیل گردد.
۲-به سبک زندگی گردشگران احترام گذاشته شود، مردم با عفت و با فرهنگ هستند و از بگیر و ببند خسته‌اند.
۳-در هر شهر منطقه ویژه توریستی ایجاد شود.
ایران زیبا و با حال ما: هم طبیعت سوئیس را دارد، هم گرمای عربستان را دارد، هم برف و سرمای سیبری را دارد، هم کوه‌های آندوگوش و آلپ را دارد، هم باران هند و چین را دارد، هم سواحل دبی و آنتالیا دارد، هم هنرمندان هالیود را دارد، هم دانشمندان آمریکا را دارد، هم پاریس اروپا را دارد (بوشهر، رشت)، هم سواحل مالدیو(جزیره لاوان) دارد، هم ملت شاد، هنردوست و سر زنده دارد. غمگینی مردم و عقب ماندگی کشور بخاطر ضعف سیاستگذاری و سوء مدیریت بوده که نسل Z در حال اصلاح هستند، همکاری دولت این اصلاحات را کم هزینه می کند.

تاریخِ اجتماعیِ موسیقی ایرانَ



حسام حق پرست: هم زمان با دو انقلاب مشروطه و انقلاب سال پنجاه و هفت، اجتماعی‌ترین و در واقع همراهی مردم و هم گامی هنر و مردم شکل می گیرد!
از این روی تولید محتوای هنرِ اجتماعی (در این‌جا موسیقی ایران) برای مردم و با مردم جهت همراهی با آرمان‌های اجتماعی هر دو انقلاب نامبرده تاریخی درخشان، پُر گفتار و شنیدار دارد چه آثاری که بعضاً هنوز هم زنده و تپنده هستند و حال و هوای آن روزگاران را به یاد می‌آورند!
البته در اینجا لازم به ذکر و یادآوری ست که نگاه و پرداخت فنّی هر دوره مختصّات و مشخصّه‌های خود را دارد و باید گفت ابزار لازم جهت ضبط و ارائه و تکنولوژی هر دوره نیز تأثیرات خود را بر جای گذاشته و هر چند امروزه امکانات و ابزار کار موسیقی با سالیان گذشته قابل مقایسه نیست! آن‌چه مسلّم است و به موضوع اهمیتی دو چندان می‌بخشد همان درآمیختگی شعر، موسیقی و تاریخ اجتماعی ایران در هر دو برهه‌ی زمانی ست که نقش بسزایی جهت پیشبرد اهداف جامعه ایفا می‌کند و چه بسا اگر نبود این حضور پُر بار و دلی در راستای خلق بهترین و بی تکرارترین آثار موسیقی امروزه چه بلاتکلیف و تهی بودیم از شنیدارِ گنجینه ی موسیقی ملّی ایران!